نگهداری از منابع طبیعی و سختی کار محیط بانان بررسی شد

مصائب نگهبانان طبیعت

نگهداری از منابع طبیعی ایران را شاید بتوان در ردیف یکی از خطرناک ترین یا پرریسک ترین مشاغل دولتی نام گذاری کرد. فرقی نمی کند محیط بان محیط زیست باشی یا جنگلبان سازمان منابع طبیعی، مهم این است که هر آن ممکن است در معرض سلاح و گلوله متخلفان باشی. اتفاقی که ششم اردیبهشت در پارک ملی گلستان به دست متخلف یا متخلفان برای کاظم مصدق، یکی از محیط بان ها پیش آمد و جانش را از دست داد و برای چندمین بار غبار از این حقیقت تلخ تکاند که پاسبانان طبیعت، خود بی پناه ترین اند. ناگفته نماند که مثل بیشترِ چالش های محیط زیستی، جنبه های مختلف این مسئله نیز پشت اظهارنظرهای احساسیِ شتاب زده مغفول مانده تا شاید پرده از ضعف ها و مسئولیت های برزمین مانده مدیران کنار رود!

مسئولان سازمان حفاظت محیط زیست با در پیش گرفتن استاندارد دوگانه، از یک سو شغل محیط بانی را «مهم و ارزشمند» جلوه می دهند و از سوی دیگر برای افزایش حقوق آنان، تجهیز ایستگاه های محیط بانی و تأمین خودرو و موتورسیکلت اقدام مناسبی انجام نمی دهند. کنشگران محیط زیست نیز بارها هشدار داده اند که قوانین داخلی از شغل محیط بانی حمایت نمی کند. در سال های اخیر شمار زیادی از محیط بانان براثر درگیری با شکارچیان غیرقانونی و حوادث مختلف مجروح شده اند یا جانشان را از دست داده اند.

حسین موسوی، مدیرکل حقوقی سازمان حفاظت محیط زیست، اعلام کرده که طی سال های گذشته دست کم ۱۵۷ محیط بان در راه حفاظت از محیط زیست جانشان را از دست داده اند. همچنین ۳۷۹ نفر دیگر نیز حین انجام کار مجروح شده اند.

این مقام دولتی با اذعان به ضعف قوانین تأکید کرده است که باید قوانین حفاظتی و محیط زیستی پیشگیرانه و مناسب با چالش های امروز در این حوزه به تصویب برسد.

مشکلات قانون به کارگیری سلاح

همواره ضعف های موجود در قانون به کارگیری سلاح دردسرساز بوده و فعالان محیط زیست خواستار بازنگری در حمایت های قانونی از محیط بانان شده اند.

در همین رابطه منوچهر فلاحی، معاون یگان حفاظت محیط زیست در گفت وگو با ایسنا درباره امکان دفاعی محیط بانان می گوید: «با توجه به قانون موجود، محیط بان زمانی می تواند از خود دفاع کند که احتمال بدهد جانش در خطر است. این یکی از مشکلات است که محیط بان باید منتظر باشد طرف مقابل تیراندازی کند تا اگر تیر نخورد یا از ناحیه حساسی آسیب ندید و هوشیار یا زنده باقی ماند، بتواند از خود دفاع کند. از این رو تنها زمانی محیط بان می تواند از سلاح استفاده کند که بیم تعرض به جان اوست. محیط بان صرف حضور شکارچی غیرمجاز یا حتی در شرایطی که شکارچی جان گونه نادری مانند یوزپلنگ را تهدید می کند، اجازه شلیک ندارد. باید منتظر باشد که طرف مقابل تیراندازی کند و اگر جان سالم به در برد، می تواند از خود دفاع کند. قانون به کارگیری سلاح بندهایی دارد که عنوان کرده می توان برای دفاع از جان خود یا دیگران از سلاح استفاده کرد اما در عمل این گونه است که باید اثبات کرد فرد مقابل تیراندازی کرده و جان شما در خطر بوده است حتی اگر متخلف زخمی شود، باید اثبات شود که محیط بان در شرایط دفاع مشروع بوده است. این وضعیت کار محیط بانان را بسیار سخت کرده است. مواردی بوده که محیط بان احساس کرده جانش در خطر است و به شکارچی شلیک کرده سپس محیط بان متخلف شناخته شده است.»

معاون یگان حفاظت محیط زیست درباره سابقه کشته شدن محیط بانان می گوید: «از سال ۱۳۵۰ تا به حال با اتفاق تلخ اخیر (مرگ کاظم مصدق)، ۱۲۳ محیط بان به شهادت رسیده اند و یا جان خود را از دست داده اند، البته همه این موارد با تیر مستقیم نبوده است. بعضی براثر تعقیب و گریز سقوط کرده اند، برخی غرق شده اند و جان باخته اند. اما به طور میانگین می توان گفت سالانه حدود دو محیط بان جان خود را از دست می دهند. این آمار نشان می دهد، جامعه ای که محیط بانان با آن مواجه هستند خشن نیست اما بعضی از این اقشار که محیط بانان با آن سروکار دارند، افراد متخلفی هستند و گاهی کار به خشونت کشیده می شود.» وی ضمن تأکید بر مشکلات قانون به کارگیری سلاح می افزاید: «قانون مشخص نکرده محیط بان دقیقا در چه شرایطی می تواند از سلاح استفاده کند. در حال حاضر محیط بان باید خود را در معرض خطر قرار دهد و اگر تیر به او نخورد، دفاع کند. این در حالی است که نمی توان ذهن متخلفان را خواند و فهمید قصد حمله دارند یا نه؟ محیط بان در لحظه نمی داند که طرف مقابل قصد تیراندازی دارد یا فقط می خواهد منطقه را ترک کند؟ در این شرایط، محیط بان باید کاملا در حالت دفاعی بماند و اجازه استفاده پیشگیرانه از سلاح را ندارد. این وضعیت باعث شده که محیط بانان در شرایط میدانی دچار سردرگمی شوند. اکنون کار محیط بان پدافندی است، یعنی منتظر اقدام متخلف می ماند و بعد عکس العمل نشان می دهد. این روند باید تغییر کند و به محیط بان اجازه داده شود که در مناطق حساس تر، در صورت مواجهه با خطر، کار آفندی انجام دهد و با تهدید مقابله کند.»

قانون درباره استفاده محیط بان ها از سلاح چه می گوید؟

حسین رئیسی، حقوقدان نیز بر همین موضوع تأکید کرده و می گوید: «محیط بانان، به عنوان جزئی از ضابطان دادگستری، حق حمل و استفاده از سلاح را برای انجام وظیفه دارند و مانند سایر نیروهای مسلح قانون استفاده از سلاح در مورد آن ها هم صادق است، ولی از حمایت هایی که سایر نهادهای مسلح از مأموران خود می کنند، در یگان حفاظت از محیط زیست، خبری نیست.»

این وکیل و استاد دانشگاه، همچنین به برخی ضوابط استفاده از سلاح توسط تمامی ضابطان دادگستری از جمله، لزوم مراحل استفاده از سلاح که شامل اخطار، شلیک هوایی و پس از آن شلیک به پایین تنه می شود نیز اشاره کرده و عنوان می کند: «مطابق قانون، ماهیت شغل محیط بان ها به گونه ای است که باید با افرادی که متجاوز به حریم حوزه های محیط زیستی و حیات وحش حفاظت شده هستند مقابله کنند. بنابراین بنا به شرایطی که در دستورالعمل ها اعلام شده، مجازند با افراد متخلف برخورد کنند. با این که این موضوع کاملا عادی است، اما آنچه جای تعجب دارد، نوع برخورد با این موضوع به مثابه قتل عمد است.»

این حقوقدان که بیش از بیست سال وکیل بوده، این برخورد دستگاه قضائی را ناشی از دو ایراد ساختاری در قوانین می داند. او در این رابطه می گوید: «در چنین مواردی، اول این که برخلاف سایر بخش های نیروهای مسلح که دولت از محل بودجه عمومی حق دیه قربانی را پرداخت می کند مسئولیت کیفری فقط متوجه فرد محیط بان است و سازمان دست اندرکار از زیر بار آن شانه خالی می کند. دومین ایراد ساختاری این است که تعریف قتل عمدی در ساختار حقوقی نادرست است. در قوانین ما، چنانچه فردی به بخش حساس بدن دیگری، با هر وسیله ممکن، صدمه ای وارد کند که منجر به مرگ شود، حتی اگر عمدی نباشد، به استناد ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی، عمدی است و این تعریف نادرست است. در این تعریف فردی که از روی شرارت، فرد دیگری را به قتل رسانده با کسی که مثلا مامور حفاظت از محیط زیست بوده و به خطا و به دلیل رعایت نکردن ضوابط، منجر به کشته شدن فرد دیگری شده، یکسان در نظر گرفته می شود. به همین دلیل است که باید تعریف سنتی از قتل عمد را تغییر دهیم و افرادی را که بدون قصد قبلی منجر به کشته شدن فرد دیگری شده اند، از خطر اعدام نجات دهیم.»

این وکیل در ادامه به ناکافی بودن مجازات محتمل در صورت محاکمه محیط بان بر مبنای اتهام قتل شبه عمد نیز اشاره کرده و می گوید: «در ساختار قانون مجازات اسلامی، اگر بخواهیم اتفاقی که افتاده را مصداق قتل شبه عمدی در نظر بگیریم، مجازات به قدری ناچیز است که جبران کننده خسارتی که به قربانی و خانواده او وارد شده، نیست. بنابراین، ساختار نیاز به اصلاح دارد. اگر ساختار تعریف قتل عمدی تغییر کند و مواردی شبیه این، مانند بسیاری از کشورهای دنیا از موارد قتل عمدی به قتل درجه دو تغییر کند که هم مجازات نسبتا سنگینی دارد و هم به اعدام محیط بان نمی انجامد، عدالت اجرا خواهد شد.»

به باور «ایمان معماریان»، دامپزشک و فعال حیات وحش نیز این حکم نادرست است؛ زیرا شرایط خاص استفاده از سلاح توسط محیط بان را نادیده می گیرد. او در ادامه با اشاره به تجربه خود از فعالیت در برخی کشورهای آفریقایی می گوید: «شکارچیان غیرقانونی، سود بزرگی می برند و به همین خاطر به هر نحوی حاضرند، منافع خود را حفظ کنند. مثلا در نامیبیا، شکار کرگدن، مجازات اعدام دارد. ولی با این وجود منافع مالی که فروش شاخ کرگدن دارد، آن قدر زیاد است که شکارچی خطر اعدام شدن را به جان می خرد.» او همچنین با «جنگی» توصیف کردن شرایط مقابله محیط بانان با متخلفان، می گوید: «در مورد ایران، با این که سود و مجازات شکار غیرقانونی به سنگینی آفریقا نیست، ولی باز هم در شرایط اقتصادی کنونی، آن قدر انگیزه مالی بزرگی دارد، که فرد حاضر شود به خاطر آن به محیط بان آسیب برساند. این را بارها در کشته شدن محیط بان توسط شکارچی های غیرقانونی و تخریب گران محیط زیست، دیده ایم.»

علاوه بر این ها، عدم دسترسی محیط بانان به تجهیزاتی که می تواند از شدت درگیری ها بکاهد، از دیگر عواملی است که در نهایت به خشونت و آسیب بیشتر به محیط زیست منجر می شود. معماریان در این باره می گوید: «محیط بان های ایران تجهیزات بسیار ابتدایی دارند، بعضی پاسگاه ها با این که چندصد هکتار را تحت نظر دارند، حتی ماشین مناسبی ندارند و محیط بان ها مجبورند با پای پیاده یا موتور گشت زنی کنند. همین طور تجهیزات ردیابی شکارچیان را هم ندارند و از آن ها همیشه یک قدم عقب ترهستند.» به باور این فعال محیط زیست، «قانون گذاران و مجریان قانون، ارزش محیط زیست و حیات وحش را به معنای واقعی نمی دانند و به همین خاطر است که محیط بان را بی دفاع و بدون پشتوانه در چند صدهکتار زمین، بدون تجهیزات رها می کنند تا با کسانی که برای تخریب محیط زیست و کشتار حیات وحش آمده اند، دست و پنجه نرم کند. در آخر هم براثر استفاده از سلاح محکوم شده و مجرم شناخته می شوند.»

اما برخی از حقوقدانان و پژوهشگران محیط زیست و منابع طبیعی در گفت وگو با رسانه ها مطرح کرده اند که تغییر در ماهیت سلاح و نحوه استفاده از آن لزوما نمی تواند به کارآمدی حفاظت از طبیعت و حیات وحش کمک بیشتری کرده و در نهایت جان محیط بانان و شکارچیان را از مرگ احتمالی نجات دهد. آن ها در این زمینه توضیح می دهند: «اینکه به محیط بان یا جنگلبان اختیار داده شود که بتوانند از سلاح در موقعیت خطر و برای حفاظت از خود استفاده کنند برای مدیریت بهتر کفایت نمی کند. چراکه درصورتی که محیط بان یا دیگران توجیه نباشند به کارگیری سلاح می تواند بسیار مخرب باشد. در مجموع باید از جان همه انسان ها چه شکارچی و چه شکاربان حفاظت شود و قوانینی که این مسئله را در نظر نگرفته باشد، قوانین جامع و مانعی نیست و نمی تواند وضعیت حفاظت از محیط زیست و منابع حیاتی را بهبود ببخشد. استفاده از سلاح در چارچوب قوانین کارآمد نیست، در نهایت باید گفت که راهکار مقابله با شکارچیان و حفاظت از عرصه های طبیعی بی شک استفاده از سلاح و تجهیزات نظامی نیست. اگر مجازات افراد متخلف به میزانی افزایش پیدا کند که ریسک تخلف بالا برود، قطعا اقدام به جرم و تخلف در این مناطق کاهش پیدا می کند. بنابراین اگر مجازات افزایش پیدا کند، آزمندان و قاچاقچیان به خود اجازه تخلف نمی دهند یا اگر بدهند و در چنگ قانون گرفتار شوند، مجازات متناسب خواهند شد. وقتی با متخلفی مواجه شدیم، باید با قاطعیت قانون با آن برخورد شود. اعمال قانون بهترین راه بازدارندگی است اما به شرطی که قانون به خودی خود قوی و بازدارنده باشد.»

مسئولیت ها تناسبی با اختیارات ندارد

مطابق نقطه نظر مجید نوائیان، مدیر موزه حیات وحش دارآباد نیز عواملی که شغل محیط بانی را به شغلی پرخطر تبدیل کرده، تنها به ضعف قانون باز نمی گردد. عمده مشکل این است که «مسئولیت ها تناسبی با اختیارات ندارد»؛ یعنی مسئولیت هایی که برعهده یگان حفاظت سازمان محیط زیست است تناسبی با اختیاراتی که به آن ها داده شده ندارد که این مسئله در سطوح مختلفی قابل بررسی است: «یک، در سطح اجرایی. دو، در سطح قانونی. سه، در سطح پشتیبانی یا لجستیک. چهار، در سطح مدیریت. هرکدام از این عناوین و علل چهارگانه نیز به زیر عنوان هایی تقسیم پذیر هستند. مثلا در حوزه اجرایی یکی از مواردی که می توان نام برد این است که وسعت مناطق تناسبی با تعداد محیط بان ها ندارد و از همه مهم تر این است که قانون به مشکلات محیط بانان ما دامن می زند. اگرچه محیط بان ضابط قضائی است، ولی آن قدرتی را که سایر ضابطان قضائی از جمله مأموران نیروی انتظامی یا دستگاه های دیگر دارند محیط بان ندارد و خود محیط بان هم اگر لازم باشد، از نیروی انتظامی و سایر مراکز نظامی دیگر کمک می گیرد. این قانون اساس صدور رأی قاضی می شود و در نتیجه این ها قاضی به رغم میل باطنی اش محیط بان را محکوم می کند و یکی از چالش های سازمان محیط زیست هم همین است که گاه مجبور می شود دیه و جریمه خطاهای محیط بانی را پرداخت کند. معمولا ۷۰ درصد را سازمان محیط زیست تقبل می کند و ۳۰ درصد برعهده محیط بان است، اغلب محیط بان ها از عهده پرداخت همان ۳۰ درصد هم برنمی آیند، لذا صندوقی برای جمع آوری دیه و جرایم محیط بانی به همّت عده ای از خیرین تأسیس شده است. درحالی که می توان با اصلاح قانون این مشکلات را برطرف کرد. غیر از اصلاح قانون برای این موضوع باید قانون جدید هم نوشته بشود زیرا زمانی که قانون فعلی نوشته شده، مناطق ما به اندازه حالا معارض نداشته اند.»

مدیر موزه حیات وحش دارآباد در مورد پشتیبانی یا لجستیک هم به ماشین آلات و وسایل نقلیه محیط بانان اشاره کرده و می گوید: «امکانات تناسبی با محیط و شرایط کاری آن ها ندارد. شاید در جایی نیاز باشد که محیط بان ما در تالاب انزلی از یک قایق پرسرعت استفاده کند، یا در پارک ملی لار ماشین برف نورد داشته باشد، شاید هم در جای دیگری به پیک آپ و کاپرا و وسایل نقلیه این چنینی نیاز پیدا کند و در جای دیگر شاید برای زیر نظر داشتن منطقه حتی نیاز به هلی کوپتر داشته باشد یا لازم باشد از پهپادها استفاده کند. با این حال اکثر وسایل نقلیه محیط بانان یا مستعمل و فرسوده هستند یا بنزین گران شده و بنزین ندارند، یا خراب شده و تعمیرکار ندارند. با این شرایط چطور بتوانند گشت زنی کنند؟ بارها شده که مخبر تماس گرفته و موردی را گزارش داده و وسیله نقلیه برای رفتن در دست نبوده است. من اینجا می توانم آمار رسمی ارائه کنم و شاید برای اولین بار هم باشد که اعلام می شود؛ بیشترین آمار شهادت محیط بانان ما ناشی از تصادف و پرت شدن ماشین از کوه به دلیل نقص فنی و فرسودگی در حین گشت زنی یا تعقیب و گریز بوده است. این فرد اگذاشته اند که هم از حیوانات مراقبت کند، هم حواسش به مستثنیات و چوپان ها و مهمانان آن ها باشد، هم مواظب اشرار باشد که به این حاضری نرسانند و غیره، آن وقت می بینیم که ماشینش بنزین ندارد! و سال هاست که قایقش خراب شده و کاری هم نمی تواند بکند. من خبر دارم که سال هاست در یک منطقه حفاظت شده یک گونه ماهی خاص هست که مردم محلی می روند صید می کنند و محیط بان کاری از دستش برنمی آید. چون دسترسی ندارد که بتواند برود آنجا. یا مثلا در مورد مستثنیات، اول بهار، حوالی اردیبهشت ماه، اگر کسی بخواهد برود منطقه خانگُرمز یا منطقه لار گیاهان دارویی جمع کند و یک چای کوهی دم کند، به خاطر جمعیت زیاد سگ ها در آن منطقه نمی تواند! سگ با چوپان رفته و برنگشته. زمستان را آنجا گذرانده و پلنگ هم دیگر حریف آن سگ نمی شود. تصور کنید با وجود این همه سگ یک محیط بان با این امکانات محدود چطور می خواهد برود در مناطق گشت بزند؟ آن هم در حالی که سگ خیلی بدتر از گرگ است. نکته دیگر شاید باورکردنی نباشد ولی امکانات سرمایشی و گرمایشی است که باعث مرگ شده! برخی از مناطق تحت حفاظت در زمستان بسیار سرد می شوند. این ها با همین کپسول خانگی بخاری را روشن می کنند و چندین محیط بان ما بر اثر گازگرفتگی دچار مرگ خاموش شده اند. چرا فعالان محیط زیست در چنین مواردی دل شان به درد نمی آید؟ یکی دیگر از موارد نبود امکانات پزشکی و امداد و نجات بوده است. مورد داشته ایم که محیط بان دچار مارزدگی شده یا شب کفش را از پا درآورده رفته کفش را بپوشد عقرب در کفشش بوده و نیشش زده، و به دلیل دوری از مرکز درمانی و امکانات امداد و نجات و پزشکی یا جانش را از دست داده یا از کار افتاده شده است.»

اصل برگ سبز (شناسنامه) خودرو سواری پژو ٤٠٥ به شماره پلاک ٩٥٧م٣٢ ایران ٢٤ رنگ نقره ای مدل ١٣٨٥ به شماره موتور ١٢٤٨٥٢٢٩٣٩٥ و شماره شاسی ٤٠٣١٠١٤٧ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت خودرو (برگ سبز) مربوط به سواری سیستم پراید تیپ صبا جی تی ایکس مدل ١٣٨١ به رنگ سفید روغنی به شماره نیروی انتظامی ٢١٥٥٤٨ ایران ٦٩ به شماره موتور ٠٠٣٣٠٨٤٤ و به شماره شاسی S١٤١٢٢٨١٧٩٥٨٩٨ متعلق به آقای عبدالغفور آق به شماره ملی ٢٠٣١٣٣٦٠١٠ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز و برگ کمپانی کارت ماشین و معاینه فنی ماشین پیکان وانت سیستم پیکان تیپ i١٦٠٠ مدل ١٣٨٦ به شماره شاسی ٣١٦٠٠٢٢٣ و شماره موتور ١١٤٨٥٠١٥٤٧٧ و شماره پلاک ٤١٣ط٦٥ ایران ١٨ به نام داود زارعی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز و برگ کمپانی ماشین سمند سیستم سمند تیپ ایکس ٧ مدل ١٣٨٢ به شماره شاسی ٨٢٢٠٣١٥٦ و شماره موتور ٣٢٩٠٨١٢١٠٢٦ و شماره پلاک ٣٩٤ط٦٤ ایران ١٨ به نام داود زارعی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اصل برگ فروش کارخانه و برگ سند خودرو سواری ساندرو - هاچ بک SANDRO مدل ١٣٩٥ به رنگ نقره‌ای متالیک به شماره موتور R١٣٤٣١٥-K٤MA٦٩٠ به شماره شاسی NAPBSRBYVG١٠٠٨٨٧٢ به شماره پلاک ایران ٨١- ٧٧٦ب٥٩ به نام اینجانب ابوذر خدیبی - بروجنی به شماره ملی ٤٦٥٠٤٤٦٤٧٣ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اصل پروانه ساختمان مسکونی به شماره ١٦٧٠٠ تاریخ ١٣٨٩/٨/٦ به کد نوسازی ٦-٢١-٧-٢ به شماره پلاک ثبتی ٣٣٦-١٢٥٤ به نام آقای محمدرضا مختاری و خانم زهرا فراهانی صادره از شهرداری بروجن به آدرس بروجن - بلوار رسالت خ رسالت ١ پلاک ١٣ به کدپستی ٨٨١٦٣٣٨٨٥ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

دانشنامه دائم فارغ التحصیلی اینجانب پریسا خزایی پول فرزند حبیب به شماره شناسنامه ٤٠٠ صادره از نوشهر در مقطع کارشناسی رشته برق الکترونیک صادره از واحد دانشگاهی علامه محدث نوری - نور با شماره ٤٠٠٢ص٨٩/١٠ - ٨٩/٦/٢ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه علامه محدث نوری به نشانی شهرستان نور - خیابان شیخ فضل اله نوری ارسال نماید.

برگ کمپانی خودرو سواری هاچ بک سیستم ام وی ام مدل ١٣٩٥ به رنگ سفید روغنی به شماره انتظامی ٢١٥٢٦١ ایران ٣٨ به شماره موتور MVM٤٨٤FBDG٠٠٩١٨٩ به شماره شاسی NAIGBAYL٠G١٠٠٩٤١٨ به نام امیرحسین فخری متولد سال ١٣٦٢ به شماره شناسنامه ٣٠٢٣ و کد ملی ٠٠٦٨٣٣٠٨٠٤ فرزند محسن مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودرو سواری پژو ٤٠٥ مدل ١٣٨٧ به شماره انتظامی ٦٩- ٨٩٣د١٩ و شماره موتور ١٢٤٨٧١٥٤٦٤٩ و شماره شاسی NAAM٠١CAX٩R٢٨٣٥٨٨ به مالکیت فریده یوری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز (شناسنامه مالکیت خودرو) سواری پراید هاچ بک مدل ١٣٨٠ به رنگ سفید شیری به شماره انتظامی ٧٦٣ل٦٧- ایران ٧٢ به شماره موتور ٠٠٢٦٤٢٣٣ شماره شاسی S١٤٤٢٢٨٠١٦٣٠٥١ به نام محمدحسین عباسی هتکه پشتی فرزند غلامحسین مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی (فاکتور فروش) و برگ سبز (شناسنامه) متعلق به یک دستگاه خودروی سواری پژو پارس مدل ١٣٩٨ به رنگ سفید روغنی به شماره پلاک ٦٨٦ج٨٣ ایران ٥٢ به شماره موتور ١٣٤B٠٠٠٨٩٤٦ به شماره شاسی ١٨٢٠٤٩ به نام محمدعلی دری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی (فاکتور فروش) و برگ سبز (شناسنامه) متعلق به یک دستگاه خودروی سواری پژو ٤٠٥ مدل ١٣٩٦ به رنگ خاکستری متالیک به شماره پلاک ٨٥د٥٨١ ایران ٥٥ به شماره موتور ١٢٤K١٠٤٤٦٧٦ به شماره شاسی NAAM١١VE٦HK٧٥٧٤٠٦ به نام منصوره کشاورز بهادری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز و شناسنامه مالکیت خودرو سواری پراید جی تی ایکس آی به رنگ مشکی متالیک مدل ١٣٨٤ به شماره پلاک ٢٢٧س٩٥ ایران ٦٩ به شماره موتور ٠١٣٩٩٩٧٠ و شماره شاسی S١٤١٢٢٨٤٧٤٤٧١٣ به نام آقای ابراهیم آباریان فرزند عیسی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی و برگ سبز پراید مدل ٨٦ رنگ بژ به شماره شهربانی ٤٥٤س١٢ ایران ٧٥ به شماره موتور ٢١٥٤٥٦٦ شماره شاسی ١٤١٢٢٨٦٣٩١١٥٨ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی و برگ سبز پژو ٢٠٧ مدل ١٤٠٤ رنگ مشکی به شماره شهربانی ١٧٥ن٣٩ ایران ٩٨ به شماره موتور ٢٨٨٨٧٠ شماره شاسی ٧٠٢٤ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز پراید ١٣١ مدل ١٣٩٠ رنگ سفید به شماره شهربانی ٤٧٦س٢١ ایران ٧٥ به شماره موتور ٤٤٢١٢٤٥ و شماره شاسی ١٤١٢٢٩٠٠٥١٠٣٧ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

کارت دانشجویی اینجانب پوریا نارویی فرزند محمد اقبال به شماره ملی ٣٦٦١٠٠٦٧٩٧ صادره از زابل دانشجوی رشته حقوق در مقطع کارشناسی از دانشگاه ملی زابل و به شماره دانشجویی ٩٩٢٠٢١١١١ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اصل مدرک دانش نامه پایان تحصیلات دوره کاردانی اینجانب حمیدرضا محمدی قاسم آبادی فرزند محمد حسین به شماره ملی ٠٣١٠٢٤٢٣٢٠ از دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاکستان مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اصل مدرک دانش نامه پایان تحصیلات دوره کاردانی اینجانب حمیدرضا محمدی قاسم آبادی فرزند محمدحسین به شماره ملی ٠٣١٠٢٤٢٣٢٠ از دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاکستان مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

شناسنامه (برگ سبز) متعلق به یک دستگاه خودروی سواری کوئیک مدل ١٤٠٣ به رنگ سفید شیری به شماره پلاک ٩٥٧ص٨٨ ایران ٩٥ به شماره موتور M١٥/٥٤٦٥٢٣٣ شماره شاسی NAS٨٦١١٠٠R١١٥٧٦٦٨ به نام نوربی بی کرامتی پور مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودرو سمند مدل ١٣٩٢ به شماره پلاک ٨٥١ج٦٥ ایران ٦١ شماره موتور ١٢٤K٠٢٦٨٨٨٦ شماره شاسی NAAC٩١CC٥DF٦٤١٥٩٣ به نام مصطفی کبودوند مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

مدرک گواهینامه موقت اینجانب علی خوشگرد فرزند جواد به شماره شناسنامه ٤٤٩ صادره از ساوجبلاغ در مقطع کارشناسی رشته علوم ارتباطات اجتماعی صادره از واحد دانشگاهی تهران مرکزی با شماره ٧٦١٠١٢٥٩٩ و تاریخ ٧٨/٩/٢٠ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. از یابنده تقاضا می گردد اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی به نشانی تهران - سوهانک - بلوار ارتش - میدان قائم - خیابان خندان - خیابان سلماس مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی و برگ سبز سواری پراید مدل ١٣٨٧ رنگ نقره ای متالیک به شماره انتظامی ٥٢٨ه٧٨ ایران ٥٣ و شماره موتور ٢٢٦٨٧٧٩ و شماره شاسی S١٤١٢٢٨٧٦٩٠٨٩٢ به نام محمد روائی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

کلیه مدارک سواری پراید GTXI به رنگ نقره ای متالیک مدل ١٣٨٩ به شماره پلاک ٤٨١ط٥٨ ایران ٩١ به نام شهناز میراسمعیلی به کد ملی ١٦٢٠٣٣٢٩٢٢ شماره موتور ٣٤٥١٦٤٦ شماره شاسی S١٤١٢٢٨٩١٧٥٦١١ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودرو وانت پیکان سیستم ١٦٠٠ مدل ١٣٩٣ به شماره پلاک ٧٢- ٩٤٤ط٦٦ و شماره موتور ١١٨P٠٠٧١٣٩٧ شماره شاسی NAAA٣٦AA٢EG٦٧٠٨٦٣ به نام عین اله شیخ اعظمی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت (برگ سبز)- سند کمپانی خودرو مزدا ١٦٠٠ رنگ - مدل ١٣٧١ به شماره انتظامی ایران ٢٣- ٤٨٥٣٥٨ شماره موتور ٠٥٤٠٣٣ شماره شاسی ٧١٦٠٤٣٣٤٦ به مالکیت مرتضی زارع لارگانی به کد ملی ١١١١٤٣٠٣١٤ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز موتورسیکلت بابک ١٢٥ به رنگ زرد مدل ١٣٨٦ به شماره پلاک ٥٢١٨٣-٧٥٣ شماره موتور ٣٠٦٤٨٧٠ شماره شاسی ١٢٥٨٦٠١٢٩٥ متعلق به آقای علی عباس نژاد مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی (فاکتور فروش) و برگ سبز (شناسنامه) و کارت پلاک متعلق به دستگاه خودروی کامیون کمپرسی بنز ال کا ٤٢/١٩٢٤ مدل ١٣٨٥ به رنگ نارنجی روغنی به شماره پلاک ٩٣٣ع١٥ ایران ٩٨ به شماره موتور ٣٣٥٩٣٢١٠١٠٠٢٤٨ به شماره شاسی ٣٧٤٣٣٣١٦٥٩٧٦٦٨ به نام جبار شاه ولی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

مجوز حمل سلاح شکاری متعلق به اینجانب رضا ناروئی فرزند جان محمد به شماره ملی ٣٧١٩٣٧٤٢٩٧ به مشخصات سلاح از نوع گلوله زنی شکاری کالیبر ٧/٩٢ به شماره سلاح ١-٣٩٧٧ مدل پنج تیر گلنگدنی ساخت مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت راهور (برگ سبز) سواری پژو ٢٠٦ به شماره موتور ١٠FSJ٥٤٥٤٩٤١٢ به شماره شاسی ٨٢٦٤٤٩٤١ شماره پلاک ٦١٩ج٢٧- ایران ٧٧ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت راهور (برگ سبز) موتورسیکلت انرژی CDI١٢٥ به شماره انتظامی ٦٦٩٨٦-٦٢٣ و شماره موتور NRG*٩١٣٢٢٢٨١ به شماره تنه N١K١٢٥E٩٠٠٨٧٢٦ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.**

کارت و پلاک و سند مالکیت خودروی سواری پژو ٤٠٥ مدل ١٣٩١ به شماره انتظامی ٥١٥ق٦٩ ایران ٩٥ به شماره موتور ١٢٤K٠١١٥٠٢٢ به شماره شاسی NAA٠١CA٦DR٥٩٣١٥٠ به نام سعید رئیسی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

کارت دانشجویی اینجانب رحمت ؟؟دامنی فرفرزند الله بخش به شماره دانشجویی ٩٦٠٧٤٥٣ دانشجوی رشته مهندسی برق مقطع کارشناسی از دانشگاه سراوان مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

پلاکت اطاق خودروی وانت تویوتا ٢٠٠٠ به رنگ سفید معمولی مدل ١٩٨٢ به نام اله بخش باران زهی به شماره انتظامی ٨٥٥س٢٨ ایران ٩٥ به شماره موتور ٥R٢٠٨٨٠٠٤٩ به شماره شاسی RK١١٠٠٤٧٩٣٦ به علت سهل انگاری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خوروی سواری پژو PARSXU٧ مدل ١٣٩٩ به رنگ سفید روغنی به شماره موتور ١٢٤K١٤٥٢١٢٨ به شماره شاسی NAAN٠١CE٣LH٢٤٧٣٧٠ به شماره انتظامی ٦٨٦ق٨٩ ایران ٨٥ به نام حبیب اله هاشمی نیا مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

کلیه مدارک برگ سبز - سند کمپانی و کارت و خودروی مینی بوس بنز ٣٠٩ مدل ١٣٧١ به رنگ سفید سبز معمولی به شماره موتور ٣٣٤٩١١١٠١٣٢٦٧٧ و شماره شاسی ٣٧٩٣٩١١٦٠٠٧٤٧٦ به نام منصور یارمحمدی به شماره انتظامی ٤٢٨ع٩٢ ایران ٨٥ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ تردد وانت تک کابین تویوتا لندکروز مدل ٢٠٠٩ به رنگ بژ به شماره موتور ١FZ٠٨٠٩٣٩٣ به شماره شاسی JTFLJ٧٣J٥٩٦٠٥٦٦٢٣ به شماره انتظامی ٢٥٣٩٤ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند موتورسیکلت پرواز ١٢٥CC به رنگ آبی مدل ١٣٩١ به شماره موتور ١٥٦FM١٠٢٢٩٨٨٨ به شماره تنه N٢N١٢٥R٩١١٤٤٩٢ به شماره انتظامی ٦٢٤٥٥-٧٦٧ به نام سعید غلامی مقدم مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.**

برگ سبز خودروی سواری پژو ٤٠٥GLX-XU٧ مدل ١٣٩٧ رنگ نقره ای به شماره موتور ١٢٤K١٢٧٨٨٥٥ به شماره شاسی NAAM٠١CE٣JK٤٠٤٩٤٢ به نام زبیر اشرف زاده به شماره انتظامی ٤٨٢ق٢٣ ایران ٩٥ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودروی سواری پژو ٤٠٥ جی ال ایکس آی ١/٨ مدل ١٣٨٣ به رنگ بژ متالیک به شماره موتور ١٢٤٨٢٠٤٥٣٠٠ شماره شاسی ٨٢٠٥٩٧٥٥ به شماره انتظامی ٣٩٣ط٥٣ ایران ٦٩ به نام امیر شاقوزائی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند و فاکتور فروش و سند مالکیت (برگ سبز) خودروی سواری پژو ٤٠٥GLX-XU٧ به رنگ خاکستری متالیک مدل ١٣٩٥ به نام فرهاد شافعی به شماره انتظامی ١٩٣ج٩٣ ایران ٩٤ به شماره موتور ١٢٤K٠٧٨٩١٥٨ به شماره شاسی NAAM٠١CE٦GK٤٠٠٠٦٧ به علت سهل انگاری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند و برگ سبز خودروی سواری پژو ٤٠٥GLX-XU٧ مدل ١٣٩٣ به شماره موتور ١٢٤K٠٣٦٤٣١٩ به شماره شاسی NAAM٠١CA٠ER٠٢٦٠٢٨ به شماره انتظامی ٥٦٦س٦٥ ایران ٩٥ به نام مهدی چاری زهی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودروی سواری دنا DENA+EF٧-MT مدل ١٤٠١ به رنگ سفید به شماره موتور ١٤٧H٠٦٧٢٦٠٧ به شماره شاسی NAAW٢١HU٢NE٥٢٩٥٩٨ به شماره انتظامی ٢٥٧ط٨٣ ایران ٨٥ به نام طاهره جمیلی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز و سند کمپانی سواری دانگ فنگ H٣٠ هاچ بک مدل ٩٦ به شماره پلاک ٢٧١ل١٩٦ ایران ١٦ و شماره موتور FA١٧٣B٠٠١٠٨٢٢ به شماره شاسی NAAE٤CFZ٢HX٠٢٤٢٤٣ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز پراید SL١٣١ به رنگ نقره ای متالیک مدل ١٣٩٠ به شماره موتور ٤٢٦١٨٧٧ شماره شناسایی S١٤١٢٢٩٠٠٠٧٢٤٨ شماره پلاک ٢٣٨ط٥٢ ایران ٩١ به نام والح فلاحیان کد ملی ١٦٢٠٠٩٠٣٨٤ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودرو پراید به نام علیرضا خضریان مدل ١٣٨٣ به شماره پلاک ٤٢٩ب٤١ ایران ١٨ رنگ سرمه‌ای متالیک به شماره موتور ٠٠٦٥٦٥٠١ شماره شاسی S١٤١٢٢٨٢٢٠٠١٠٥ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کارخانه (کمپانی) موتورسیکلت طرنا CG ١٢٥ قرمز رنگ مدل ١٣٨٦ به شماره پلاک ٤٦٨٧٢-٥١١ و شماره موتور ١٢١١٣١٨٠ و شماره تنه ٨٦٧٣٦٠٠ به نام سعید آبکار مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

شناسنامه مالکیت برگ سبز وانت یخچالدار سیستم نیسان تیپ ٢٤٠٠ مدل ١٣٨٣ به شماره انتظامی ٦١- ٢٣٨م٥١ شماره شاسی D٥٣٥٥٢ و شماره موتور ٢٥٩٠٠٣ به مالکیت حسام نظامی فرزند عباس مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی موتورسیکلت گالکسی ١٨٠ مدل ١٣٩٩ به شماره پلاک ٤٦٢- ٩٢١٧٣ به شماره موتور ٠١٨٣N١٥٠٠٠١١٩ و شماره شاسی N١٥KPGJPJL١H١٠١٨٩ به نام رشید الوندی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز سواری سمند مدل ١٤٠٣ رنگ سفید پلاک ٦١ ایران ٧٩٧ق ٨٦ شماره موتور ١٢٥K٠٣٩٥٢٥٧ شماره شاسی NAACV١HLFRBG٤٧٢٩٣ به نام موسی صبوری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز و سند کمپانی سواری پراید ١٣٢ مدل ٩٦ به شماره پلاک ٩٩٤ن٥٣ ایران ١٦ به شماره موتور M١٣٥٨٤١٥٧٦ به شماره شاسی NAS٤٢١١٠٠H١٢٢٢٥٨٠ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.